

بسم الله الرحمن الرحيم

99/10/22

موضوع: اسناد شهادت حضرت زهرا (سلام الله عليها) از منابع شیعه و اهل سنت

ویژه برنامه دانش افزایی فاطمی

فهرست مطالب این برنامه:

اسناد شهادت حضرت زهرا (سلام الله عليها) در منابع شیعه!

روایت اول: مرحوم کلینی در «کافی»

بررسی سندی روایت کافی از دو مسیر

روایت دوم: مرحوم «کراچکی» در «کنز الفوائد»

بررسی سندی روایت «کنز الفوائد»

روایات مؤید در اثبات شهادت حضرت زهرا (سلام الله عليها)

آیا بین کلمه «وفات» و «شهادت» منافات وجود دارد؟

اسناد شهادت حضرت زهرا (سلام الله عليها) در منابع اهل سنت

آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله أفاض أمری إلى الله إن الله بصير بالعباد حسبنا الله و نعم الوكيل نعم المولى و نعم النصير

با عرض سلام و عرض تسلیت ایام فاطمیه و شهادت مظلومانه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) به همه شما عزیزان و گرامیان. موضوع بحث امروز ما در رابطه با قضیه شهادت حضرت فاطمه زهرا است.

امسال شبکه‌های وهابی در رسانه‌ها و فضای مجازی، مرتب تحدی می‌کنند که قضیه شهادت حضرت فاطمه زهرا افسانه است و شیعه هیچ دلیلی برای شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) ندارد.

کارشناسان شبکه‌های وهابی اعلام می‌کنند اگر کسی یک روایت صحیح برای شهادت حضرت فاطمه زهرا بیاورد، ما ده دستگاه گوشی آیفون به او جایزه می‌دهیم.

در رابطه با قضیه شهادت حضرت فاطمه زهرا چند موضوع است که باید مرتبط به هم بحث شود. ما از این چند موضوع، یک موضوع را امروز خدمت عزیزان عرض می‌کنیم.

مسئله اول قضیه کتک خوردن حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) است. ما می‌خواهیم ببینیم که آیا حضرت فاطمه زهرا را مورد ضرب و شتم قرار دادند یا خیر.

ما روایات متعددی در منابع شیعه و اهل سنت در رابطه با سیلی خوردن حضرت فاطمه زهرا داریم به طوری که حضرت با غلاف شمشیر مورد ضرب قرار گرفت.

مسئله دوم شکسته شدن پهلوی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است. ما روایات متعددی در این زمینه داریم که از استفاضه هم خیلی بالاتر است.

مسئله سوم آتش زدن خانه حضرت فاطمه زهراست. ما نه یک روایت و دو روایت بلکه چندین روایت داریم که در ب خانه حضرت صدیقه طاهره آتش گرفت.

مسئله چهارم قضیه سقط حضرت محسن است. ما در منابع شیعه و اهل سنت روایات متعددی داریم که حضرت به فرزندی به نام محسن حامله بودند. حضرت فاطمه زهرا شش ماهه باردار بودند که در اثر فشار بین در و دیوار حضرت محسن شهید شد.

اسناد شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در منابع شیعه!

مسئله پنجم که امروز مورد بحث ماست، موضوع شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است. در رابطه با شهادت حضرت فاطمه زهرا ما ابتدا روی مسئله شهادت و روایت صحیح می‌رویم.

روایت اول: مرحوم کلینی در «کافی»

«مرحوم کلینی» در کتاب «کافی» روایتی را مطرح می‌کند. در این کتاب جلد اول صفحه 458 روایتی از قول «محمد بن یحیی ابو جعفر عطار قمی» و ایشان از «عمرکی» و ایشان از علی بن جعفر برادر امام هفتم و آن بزرگوار از امام هفتم نقل کرده که فرمود:

«إِنَّ فَاطِمَةَ عَ صَدِيقَةَ شَهِيدَةٍ»

همانا حضرت فاطمه زهرا صدیقه و شهیده هست.

الكافی، نویسنده: کلینی، محمد بن یعقوب، محقق / مصحح: غفاری علی اکبر و آخوندی، محمد، ج 1،

ص 458، ج 2

بنده نمی‌خواهم در رابطه با واژه «شَهِيدَة» خیلی بحث کنم، زیرا واضح و روشن است. در قرآن کریم موارد متعددی واژه «شهید» آمده است و می‌فرماید:

وَمَنْ يَطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا

و کسی که خدا و پیامبر را اطاعت کند، (در روز رستاخیز) همنشین کسانی خواهد بود که خدا نعمت خود را بر آنها تمام کرده، از پیامبران و صدیقان و شهداء و صالحان، و آنها رفیق‌های خوبی هستند.

سوره نساء (4): آیه 69

کلمه «شهید» در هرکجای قرآن کریم آمده است، به معنای کسی است که مورد قتل قرار گرفته است. «شهید» به معنای «شاهد» نیست!

در اینجا که امام موسی کاظم می‌فرماید: «إِنَّ فَاطِمَةَ عَ صَدِيقَةَ شَهِيدَةٍ»، قضیه کاملاً روشن است. این روایت همچنین در کتاب «مسائل علی بن جعفر» که جدیداً به چاپ رسیده است، صفحه 325 مطرح شده است.

بررسی سندی روایت کافی از دو مسیر:

در اینجا چند نکته وجود دارد. نکته اول این است که می‌خواهیم ببینیم آیا این روایت صحیح است یا خیر. در رابطه با اینکه روایت صحیح است یا صحیح نیست، ما دو راه داریم. یک راه میانبر و یک راه تفصیلی.

راه میانبر این است که یکی از علمای بزرگ و فقهای بزرگ شیعه که در علم رجال تخصص خاصی دارد، شهادت بدهد که روایت صحیح است. این شهادت برای ما کافی است.

راه دیگر این است که ما تک تک روایات سند را بررسی کنیم و ببینیم علمای رجال در رابطه با آنها چه می‌گویند.

«مرحوم علامه مجلسی (رضوان الله تعالی علیه)» در کتاب «مرآة العقول» که شرح کتاب «کافی» است، جلد پنجم صفحه 315 زمانی که روایت را می‌آورد، می‌گوید:

«الحديث الثاني صحيح»

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح:

رسولی محلاتی، سید هاشم، ج 5، ص 315، ح 2

آقایان به دنبال روایت صحیح می‌گشتند. این هم روایت صحیح به شهادت «مرحوم علامه مجلسی».

نکته دوم در کتاب «صراط النجاة فی أجوبة الإستفتاءات» اثر دو تن از فقهای بزرگ معاصر نظیر آیت الله العظمی خوئی و آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی نکته‌ای در این زمینه نقل شده است. این روایت در جلد سوم صفحه 441 مطرح می‌شود و می‌گوید:

«بسنده معتبر عن الكاظم (ع) قال: إن فاطمة (ع) صديقة شهيدة، وهو ظاهر فی مظلومیتها وشهادتها»

صراط النجاة (تعليق الميرزا التبریزی)، نویسنده: السید الخوئی، ج 3، ص 441، س 1264

این هم نظر آیت الله العظمی خوئی است و هم نظر آیت الله العظمی شیخ جواد تبریزی. کلمه «شهید» به معنای «شاهد» نیست که بعضی از افراد بی سواد و منحرف می‌خواهند آن را معنا کنند، بلکه ظهور در مظلومیت و شهادت حضرت فاطمه زهرا دارد.

راه دیگر هم این است که ما تک تک این روایت را بررسی کنیم و ببینیم آیا راویان این روایت مورد تأیید علمای رجال هستند یا خیر.

آقایان می‌دانند ما در رجال، کتب اربعه رجالی داریم، همانطور که در حدیث، کتب اربعه حدیثی داریم. کتب اربعه حدیثی شیعه عبارتند از کتاب «کافی»، «من لا یحضره الفقیه»، «تهذیب الأحکام» و «استبصار».

کتب اربعه رجالی شیعه هم عبارتند از کتاب «رجال نجاشی»، «رجال شیخ طوسی»، «فهرست شیخ طوسی» و «رجال کشی». عمده روایتی که مورد توثیق یا تضعیف قرار گرفته‌اند، در این چهار کتاب جمع آوری شده است.

همچنین ما یک سری جوامع رجالی داریم که بعد از این بزرگواران آمده‌اند. «علامه حلی» کتابی تحت عنوان «خلاصة الأقوال فی علم الرجال» دارد. «ابن داوود» هم کتابی رجالی دارد. بعد از ایشان «مرحوم مامقانی» کتابی مفصل تحت عنوان «تنقیح المقال» دارد که چاپ جدید این کتاب تا حدود 53 جلد از چاپ بیرون آمده است.

کتاب دیگر «معجم الرجال» اثر آیت الله العظمی خوئی است که در بیست و یک جلد چاپ شده است. این‌ها جوامع رجالی هستند که افزون بر شهادت کتب اربعه رجالی، بعضاً از قرائن و شواهد وثاقت یا ضعف راوی را استفاده می‌کنند.

راوی اول ما «محمد بن یحیی عطار قمی» است. حال ببینیم «نجاشی» در کتاب «رجال» خود در مورد ایشان چه می‌نویسد. محقق این کتاب آیت الله العظمی شبیری زنجانی است. آیت الله العظمی سبحانی معتقدند که ایشان رجالی بی نظیر تاریخ شیعه است.

«أبو جعفر العطار القمی، شیخ أصحابنا فی زمانه، ثقة، عین، کثیر الحدیث»

ابوجعفر عطار قمی بزرگ شیعه در زمان خود است، ثقة است، شخصیت بزرگی است و کثیر الحدیث است.

فهرست اسماء مصنفی الشیعة (رجال النجاشی)، نویسنده: النجاشی، ص 353، ش 946

بنابراین راوی اول ثقة است. آیت الله العظمی خوئی در کتاب «معجم رجال الحدیث» جلد نوزدهم صفحه 33 مباحث را مطرح کرده است.

ایشان در این کتاب قول «نجاشی» و «شیخ طوسی» را آورده است، سپس گفته که به عنوان «محمد بن یحیی عطار قمی» هم خواهد آمد.

راوی دوم «العمركى بن على» است. بازهم به سراغ «رجال نجاشى» مى‌رويم. عزيزان خوب دقت كنند كه اين راه تصحيح تفصيلى سند است. در اين كتاب در خصوص اين شخص آمده است:

«شيخ من أصحابنا، ثقة»

فهرست اسماء مصنفى الشيعة (رجال النجاشى)، نويسنده: النجاشى، ص 303، ش 828

مى‌گويد: ايشان يکى از اساتيد اصحاب ما و مورد وثوق است. «شيخ» به معنای استاد است. ايشان يکى از اساتيد شيعه بوده است.

راوی سوم كه راوی آخر است، «على بن جعفر» فرزند امام جعفر صادق (عليه السلام) و برادر حضرت موسى بن جعفر (عليه السلام) است. «مرحوم شيخ طوسى» در كتاب «فهرست» صفحه 151 مى‌فرمايند:

«على بن جعفر، أخو موسى بن جعفر بن محمد بن على بن الحسين بن على بن أبى طالب عليهم السلام، جليل القدر، ثقة»

الفهرست؛ نويسنده: الشيخ الطوسى، وفات: 460، تحقيق: الشيخ جواد القيويمى، چاپ: الأولى، شعبان المعظم 1417، چاپخانه: مؤسسة النشر الإسلامى، ناشر: مؤسسة نشر الفقاهة، ص 151، ح 4

ايشان هم طبق نقل راوى، انسان با شخصيتى بوده و مورد وثوق است. بنابراین ما براى روايتى كه از كتاب «كافى» جلد اول صفحه 291 عرض كرديم، «محمد بن يحيى» ثقة است، «عمركى» ثقة است و «على بن جعفر» هم ثقة است.

«مجلسى» در كتاب «مرآة العقول» مى‌فرمايد كه اين روايت صحيح است. همچنين تعبير ديگرى در اين زمينه آمده است كه مى‌نويسد:

«ثم إن هذا الخبر يدل على أن فاطمة صلوات الله عليها كانت شهيدة و هو من المتواترات»

مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح:

رسولی محلاتی، سید هاشم، ج 5، ص 318، ح 2

طبق این روایت «شهید» بودن حضرت فاطمه زهرا از متواترات است. همه ما می دانیم مخصوصاً آقایان اهل سنت بر این عقیده هستند:

«وَمَنْ أَنْكَرَ الْمُتَوَاتِرَ فَقَدْ كَفَرَ»

هرکسی حدیث متواتر را انکار کند، کافر است.

الفتاوی الهندیة فی مذهب الإمام الأعظم أبی حنیفة النعمان، اسم المؤلف: الشیخ نظام وجماعة من علماء الهند، دار النشر: دار الفكر - 1411 هـ - 1991 م، ج 2، ص 265، باب مُوجِبَاتُ الْكُفْرِ أَنْوَاعٌ مِنْهَا مَا

يَتَعَلَّقُ بِالْإِيْمَانِ وَالْإِسْلَامِ

«ابن تیمیه» هم در کتاب «مجموع الفتاوی» جلد 18 صفحه 23 این عبارت را آورده است. بنابراین ادعای کارشناسان وهابیت مبنی بر اینکه روایت صحیحی دال بر شهادت حضرت فاطمه زهرا داشته باشیم، این یک روایت است.

جوایز شبکه‌های وهابی پیشکش خودشان! پول این شبکه‌ها حرام است و قطعاً اگر پول یا جوایزشان در هر خانه‌ای وارد شود، برکت را از آن خانه دور می‌کند.

روایت دوم: مرحوم «کراچکی» در «کنز الفوائد»

روایت دوم در کتاب «مرحوم کراچکی» یکی از فقهای بزرگ شیعه متوفای 449 هجری نقل شده است. ایشان هم به سند صحیح از پیغمبر اکرم نقل می‌کند:

«يا يونسُ قَالَ جَدَى رَسُولُ اللَّهِ ص مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ يَظْلِمُ بَعْدِي فَاطِمَةَ ابْنَتِي وَ يَغْصِبُهَا حَقَّهَا وَ يَفْتُلُهَا»

كنز الفوائد، نویسنده: کراچکی، محمد بن علی، محقق / مصحح: نعمه، عبد الله، ج 1، ص 150، باب شرح قوله و لعن آخر أمتكم أولها فصل

بررسی سندی روایت «کنز الفوائد»:

در رابطه با این سند ما می‌بینیم راوی آن «کراچکی» است. مرحوم آیت الله العظمی خوئی در کتاب «معجم رجال الحديث» جلد هفدهم نسبت به «کراچکی» می‌نویسد:

«الشيخ أبو الفتح، محمد ابن علي بن عثمان الكراچكي: عالم، فاضل، متكلم، فقيه، محدث، ثقة، جليل القدر»

معجم رجال الحديث، نویسنده: السيد الخوئی، ج 17، ص 358، ح 11342

ایشان از «ابو الحسن بن شاذان» نقل می‌کند. آیت الله العظمی خوئی (رضوان الله تعالى علیه) در کتاب «معجم رجال الحديث» جلد شانزدهم می‌گوید:

«هو ثقة، لا لما ذكره، بل لأنه شيخ النجاشي، وقد عرفت أن مشايخه كلهم ثقات»

معجم رجال الحديث، نویسنده: السيد الخوئی، ج 16، ص 17، ح 10149

«نجاشي» هم نسبت به ایشان می‌نویسد:

«أحمد بن علي بن الحسن بن شاذان أبو العباس الفامي القمي شيخنا الفقيه، حسن المعرفة»

فهرست اسماء مصنفی الشيعة (رجال النجاشي)، نویسنده: النجاشي، ص 84، ح 204

راوی بعد «محمد بن حسن ولید» یکی از اجلاء فقهای شیعه و اجلاء روات است. «مرحوم نجاشی» در کتاب «رجال» خود صفحه 383 می‌نویسد:

«محمد بن الحسن بن أحمد بن الولید أبو جعفر شیخ القمیین، وفقیهم، ومتقدمهم، ووجههم»

محمد بن حسن بن احمد بن ولید ابو جعفر یکی از اساتید قمیین و فقهای قمیین و پیشتازان قم و صاحب وجه و شخصیت است.

فهرست اسماء مصنفی الشیعة (رجال النجاشی)، نویسنده: النجاشی، ص 383، ح 1042

«محمد بن حسن صفار» صاحب کتاب «بصائر الدرجات» است. «مرحوم نجاشی» در مورد ایشان می‌نویسد:

«کان وجهاً فی أصحابنا القمیین، ثقة، عظیم القدر»

فهرست اسماء مصنفی الشیعة (رجال النجاشی)، نویسنده: النجاشی، ص 354، ح 948

راوی دیگر «محمد بن ابی عمیر» است که یکی از اجلاء و شخصیت‌های کم نظیر رجال شیعه است. ایشان یکی از اصحاب امام رضا و امام جواد (علیهم السلام) بوده است. «نجاشی» در مورد او می‌گوید:

«جلیل القدر عظیم المنزلة فینا وعند المخالفین»

او جلیل القدر و دارای منزلت بزرگ نزد ما و مخالفین ماست.

فهرست اسماء مصنفی الشیعة، نویسنده: النجاشی، ص 326، ح 887

«ابن ابی عمیر» یکی از کسانی است که «مرحوم شیخ طوسی» در کتاب «العدة فی الأصول» جلد اول صفحه 154 می‌گوید:

«ولأجل ذلك سوت الطائفة بين ما يرويه محمد بن أبي عمير، وصفوان بن يحيى، وأحمد بن محمد بن أبي نصر وغيرهم من الثقات الذين عرفوا بأنهم لا يروون ولا يرسلون إلا عن يوثق به»

طایفه و علمای بزرگ شیعه برابر دانسته‌اند آنچه که محمد بن ابی عمیر و صفوان بن یحیی و احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی روایاتشان چه مرسل باشد و چه مسند باشد، غیر از ثقه نقل نمی‌کنند.

العدة فی أصول الفقه، نویسنده: الشیخ الطوسی، ج 1، ص 154، فصل 5

این عبارت به این معناست که اگر سند به «ابن ابی عمیر» برسد، مسئله تمام است و نیازی نیست ما راویان بعد از «ابن ابی عمیر» را بررسی کنیم.

ما دو راوی بعد از «ابن ابی عمیر» را هم بررسی می‌کنیم. «مرحوم شیخ مفید» در کتاب «الإرشاد» جلد دوم صفحه 216 می‌نویسد:

«فَمَنْ رَوَى صَرِيحَ النَّصِّ بِالْإِمَامَةِ مِنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الصَّادِقِ ع عَلَى ابْنِهِ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى ع مِنْ شُيُوخِ أَصْحَابِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ بَطَانَتِهِ وَ ثِقَاتِهِ الْفُقَهَاءِ الصَّالِحِينَ رِضْوَانُ اللَّهِ عَلَيْهِمُ الْمُفْضَلُ بْنُ عُمَرَ الْجُعْفِيِّ»

الإرشاد فی معرفة حجج الله على العباد، نویسنده: مفید، محمد بن محمد، محقق / مصحح: مؤسسة

آل البيت عليهم السلام، ج 2، ص 216، فصل فی النص علی إمامة الكاظم ع

«بِطَانَتِهِ» به معنای کسانی است که صاحب سر بودند. ما بیشتر از این نمی‌خواهیم بررسی کنیم. «نجاشی» هم همین بحث را مطرح می‌کند و در رابطه با «یونس بن یعقوب» می‌نویسد:

«فتولى أمره وكان حظيا عندهم، موثقا»

فهرست اسماء مصنفی الشيعة، نویسنده: النجاشی، ص 446، ح 1207

در رابطه با «یونس بن یعقوب» چند راوی که ما می‌بینیم، تمام روات مورد وثوق علمای رجال شیعه هستند. آقایان یک روایت صحیح خواسته بودند، اما ما دو روایت صحیح السند در رابطه با شهادت حضرت فاطمه زهرا از منابع شیعه نشان دادیم. حال ان شاء الله به منابع اهل سنت هم خواهیم رسید.

روایات مؤید در اثبات شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

روایات دیگری که مؤید این روایات است، معمولاً مبنای بزرگان ما نظیر «کلینی» این است که در هر بابی اول باب روایتی که از نظر خودش صحیح است نقل می‌کند و روایات بعد که شاید سندا ضعیف باشد، اما مؤید هست را می‌آورد.

درست است که سند ضعیف به تنهایی نمی‌تواند حکمی را ثابت کند. البته عزیزان دقت کنند سند ضعیف غیر از سند دروغ است. اگر هزار سند دروغ و جعلی را کنار هم بگذارید، همانند این است که بخواهید هزار صفر را با هم جمع کنید که حاصل جمع صفر می‌شود.

در مقابل حدیث ضعیف، مرسل است، به طوری که یکی از راویان آن مجهول است و ما او را نمی‌شناسیم. شاید این راوی ثقة باشد و شاید هم ثقة نباشد. همچنین راوی مهمل است و در کتاب‌های رجالی اسمش نیامده است یا ما نتوانستیم پیدا کنیم.

عزیزان دقت کنند که حدیث ضعیف با حدیث دروغ و حدیث جعلی تفاوت دارد. مبنای عموم فقهای شیعه این است که اگر روایت ضعیف، مستفیض شد، قابل استناد است.

آقایان روایت مستفیض را معنا کردند. «مرحوم شهید» در کتاب «الدراية» و دیگر کتب نقل کرده‌اند که اگر سه سند یا بیشتر در یک موضوعی باشد، روایت مستفیض می‌شود.

فقها و بزرگان ما حتی آیت الله العظمی خوئی در جای جای کتب فقهی‌شان که خیلی نسبت به مسائل رجالی حساسیت دارند، وقتی به روایات مستفیض می‌رسند می‌نویسند:

«روایات الباب مستفیضة تغیننا عن البحث فی السند»

روایت در این باب مستفیض است و ما نیازی به بررسی سندی نداریم.

عزیزان به این نکته توجه داشته باشند. در بحث‌های بعدی هم اگر روایات ضعیف از سه روایت بیشتر شد، روایت مستفیض می‌شود به طوری که فقهای ما طبق روایات مستفیض فتوا صادر می‌کنند.

در این زمینه از «علامه مجلسی» شنیدیم که روایت متواتر است. روایت متواتر قطعی است و همانند آیه قرآن کریم است که برای ما قطع آور است.

ما در اینجا چند روایت مؤید داریم. روایت اول روایتی است که «مرحوم شیخ صدوق» در کتاب «أمالی» دارد. البته هم «شیخ صدوق» کتابی به نام «أمالی» دارد و هم «شیخ طوسی».

«ابن عباس» نقل می‌کند که روزی رسول گرامی اسلام نشسته بودند که امام حسن وارد شدند. پیغمبر اکرم وقتی چشمشان به امام حسن افتاد، گریه کردند و مطالبی فرمودند. سپس امام حسین وارد شدند و پیغمبر اکرم گریه کردند.

زمانی که حضرت فاطمه زهرا وارد شد، رسول اکرم گریه کردند به طوری که اشک چشمانشان جاری شد و فرمود:

«وَ أُنِّی لَمَّا رَأَيْتَهَا ذَكَرْتُ مَا يَصْنَعُ بِهَا بَعْدِي»

وقتی دخترم فاطمه را دیدم، به ذهنم آمد مصائبی که بعد از من متحمل می‌شود.

«كَأَنِّي بِهَا وَ قَدْ دَخَلَ الدُّلُّ بَيْتَهَا وَ انْتَهَكَتْ حَرَمَتَهَا وَ عُصِبَتْ حَقَّهَا وَ مُنِعَتْ إِزَّتَهَا وَ كَسِرَ جَنْبُهَا [وَ كَسِرَتْ جَنْبُتُهَا] وَ أَشَقَطَتْ جَنِينَهَا»

من می‌بینم که ذلت داخل خانه او وارد شده و حرمت او را شکسته‌اند و حقش را غصب کردند و ارثش را گرفته‌اند و پهلویش را شکسته‌اند و جنینش را شهید کرده‌اند.

«وَ هِيَ تُنَادِي يَا مُحَمَّدَاهُ فَلَا تُجَابُ»

فاطمه ندای یا محمدا سر می‌دهد، اما کسی پاسخ او را نمی‌دهد.

«وَ تَسْتَعِيثُ فَلَا تُغَاثُ»

فاطمه استغاثه می‌طلبد، اما کسی پاسخ نمی‌دهد.

«فَلَا تَزَالُ بَعْدِي مَحْزُونَةً مَكْرُوبَةً بَاكِيَةً»

سپس در حالی که محزون و پریشان و گریه‌کنان است، نزد من می‌آید.

حضرت در ادامه می‌نویسد:

«فَتَكُونُ أَوَّلَ مَنْ يُلْحِقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَتَقْدَمُ عَلَيَّ مَحْزُونَةً مَكْرُوبَةً مَغْمُومَةً مَغْضُوبَةً مَفْتُولَةً»

الأمالی (للصدوق)، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، تاریخ وفات مؤلف: 381 ق، ناشر: کتابچی،

تهران، 1376 ش، نوبت چاپ: ششم، ص 113، ح 2

قرآن کریم نسبت به کلمه «قتل» می‌فرماید:

(وَ لَا تَحْسَبَنَّ الدِّينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ)

(ای پیامبر) هرگز گمان مبر آنها که در راه خدا کشته شده‌اند مردگانند، بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

سوره آل عمران (3): آیه 169

کلمه «مَقْتُولَةٌ» معادل «شهیده» است. در اینجا هم رسول گرامی اسلام قبل از رحلتشان شهادت می‌دهند بر اینکه حضرت فاطمه زهرا به شهادت می‌رسد.

این روایت را هم «شیخ صدوق» در کتاب «أمالی» نقل کرده است و هم «طبری شیعی» در کتاب «بشارة المصطفی» این تعبیر را آورده است.

«فَتَكُونُ أُولَ مَنْ تَلْحِقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَتَقْدَمُ عَلَيَّ مَخْزُونَةً مَكْرُوبَةً مَغْمُومَةً مَغْضُوبَةً مَقْتُولَةً»

بشارة المصطفی لشيعة المرتضى، نویسنده: طبری آملی، عماد الدین أبی جعفر محمد بن أبی القاسم، ص 199، باب إخبار النبی (ص) بما یجری علی فاطمة و علی الحسنین

«سلیم بن قیس هلالی» روایت دیگری را از «ابن عباس» نقل می‌کند. الآن فرصت نیست، اما بنده در جلسات بعد به مناسبتی عرض خواهم کرد که کتاب «سلیم» یکی از کتاب‌های معتبر و مورد اعتماد شیعه است.

این کتاب از زمان «مرحوم نعمانی» صاحب کتاب «الغیبة» مورد وثاقت بود. ایشان می‌فرماید: این کتاب از کتب معتبر و اصول معتبر شیعه است. علمای شیعه در طول تاریخ به این کتاب مراجعه و اعتماد می‌کردند.

همچنین شکی در وثاقت «سلیم بن قیس» نیست. بعضی افراد تشکیک می‌کنند یا بعضی عباراتی در جاهایی نقل شده است، در برابر توثیقاتی که نسبت به کتاب و شخص «سلیم» آمده است توان مقاومت ندارد.

بازهم در کتاب «سلیم بن قیس» صفحه 907 نقل شده است که رسول گرامی اسلام نشسته بودند در حالی که «عبدالله بن عباس» و «جابر بن عبدالله انصاری» هم حضور داشتند. تا حضرت فاطمه زهرا وارد شدند، پیغمبر فرمودند:

«إِنَّكَ أَوْلُ مَنْ يُلْحَقُنِي مِنْ أَهْلِ بَيْتِي»

اولین کسی از اهل بیتم که به من ملحق می‌شود، تو هستی.

«وَ أَنْتِ سَيِّدَةُ نِسَاءِ أَهْلِ الْجَنَّةِ»

و تو سرور زنان اهل بهشت هستی.

«وَ سَتَرِينَ بَعْدِي ظُلْمًا وَ عِيظًا حَتَّى تُضْرَبِي وَ يَكْسِرَ ضِلْعٌ مِنْ أَضْلَاعِي»

و بعد از من ظلم و خشمی خواهی دید به طوری که تو را می‌زنند و پهلوئی تو را می‌شکنند.

«لَعَنَ اللَّهُ قَاتِلَكَ»

کتاب سلیم بن قیس الهمدانی، نویسنده: همدانی، سلیم بن قیس، محقق / مصحح: انصاری زنجانی
خوئینی، محمد، ج 2، ص 907، باب الحدیث الحادی و الستون

بازهم کلمه «قتل» از زبان رسول گرامی اسلام آمده است. حال ببینیم امام صادق در این زمینه چه فرمایشی دارند. در خصوص کتاب «کامل الزیارات» می‌توان گفت که جزو روایات صحیح است.

آیت الله العظمی خوئی به صراحت می‌فرماید که راویان کتاب «کامل الزیارات» همگی ثقة هستند، زیرا «ابن قولویه» در ابتدای کتاب خود نوشته است که من در این کتاب جز از ثقة نقل نمی‌کنم.

در اینجا هم صفحه 332 نقل شده است که حضرت فاطمه زهرا را مورد ضرب و شتم قرار می‌دهند؛

«وَتَطْرَحُ مَا فِي بَطْنِهَا مِنَ الصَّرْبِ»

جنین حضرت بر اثر ضربی که بر آن بزرگوار وارد می‌شود، به شهادت می‌رسد.

«وَتَمُوتُ مِنْ ذَلِكَ الصَّرْبِ»

حضرت فاطمه زهرا بر اثر این آزار و اذیت و کتک خوردن از دنیا می‌رود.

کامل الزیارات، نویسنده: ابن قولویه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، ص 332،

ح 11

آیا بین کلمه «وفات» و «شهادت» منافات وجود دارد؟

البته عزیزان دقت کنند کلمه «وفات» و «مات» با کلمه «شهید» هیچ منافاتی ندارد. بعضی از وهابی‌ها ادعا می‌کنند که در تقویم‌ها قبلاً "وفات حضرت فاطمه زهرا" می‌نوشتند، اما بعد از سال 1375 نوشتند: "شهادت حضرت فاطمه زهرا".

«موت» و «توفی» به معنای انتقال از این دنیا به دنیای دیگر است. این انتقال خواه به مرگ طبیعی است، خواه به شهادت است.

عزیزان دقت داشته باشند یکی از شبهاتی که وهابیت در شبکه‌هایشان مطرح می‌کنند، همین قضیه است که چرا در بعضی از جاها واژه «وفات» آمده است و این با «شهادت» منافات دارد.

به عنوان نمونه عبارتی نشان خواهیم داد. هیچ شکی نیست که حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) به شهادت رسیدند. «إربلی» در کتاب «کشف الغمة» جلد 2 صفحه 40 می‌گوید:

«وَكَانَ مَعَ أَخِيهِ الْحَسَنِ بَعْدَ وَفَاةِ أَبِيهِ ع»

کشف الغمة فی معرفة الأئمة، نویسنده: اربلی، علی بن عیسی، محقق / مصحح: رسولی محلاتی، سید
هاشم، ج 2، ص 40، باب العاشر فی عمره ع

در اینجا کلمه «وفاة» به معنای درگذشت به کار رفته است، خواه به مرگ طبیعی یا به شهادت است که آن
بحث دیگری است. همچنین در روایت دیگر آمده است:

«خطبنا الحسن بن علی بعد وفاة علی»

فضائل الصحابة، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبد الله الشيباني، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت
- 1403 - 1983، الطبعة: الأولى، تحقيق: د. وصی الله محمد عباس، ج 2، ص 600، ح 1026

همچنین در رابطه با امام حسین (علیه السلام) روایتی از رسول گرامی اسلام نقل شده است که می‌فرماید:

«إِنَّ أُمَّتِي سَتَقْتُلُهُ فَمَنْ زَارَهُ بَعْدَ وَفَاتِهِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ حِجَّةً مِنْ حِجَجِي»

کامل الزیارات، نویسنده: ابن قولویه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، ص 68،
ح 1

در این که امام حسین (علیه السلام) به شهادت رسیده‌اند، شکی نیست. همچنین در رابطه با «حمزه
سیدالشهداء» تمام جن و انس شهادت می‌دهند که حضرت شهید است، اما واژه «وفاة» در خصوص ایشان به
کار رفته است.

«منها بعد وفاة حمزة بن عبد المطلب»

سمط النجوم العوالی فی أنباء الأوائل والتوالی، اسم المؤلف: عبد الملك بن حسين بن عبد الملك
الشافعی العاصمی المکی، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1419 هـ - 1998 م، تحقیق: عادل

أحمد عبد الموجود- على محمد معوض، ج 1، ص 472، الباب الرابع من المقصد الثاني في ذكر ازواجه

الطاهرات أمهات المؤمنين وسراريه

همينطور نسبت به خلفا، آقايان اهل سنت معتقدند كه خليفه دوم شهيد شده است، اما در كتاب «أنساب الأشراف» نقل شده است:

«بعد وفاة عمر»

أنساب الأشراف، اسم المؤلف: أحمد بن يحيى بن جابر البلاذري (المتوفى: 279 هـ)، ج 2، ص 257،

الجزء السادس خبر عبيد الله بن زياد بعد موت يزيد بن معاوية

همچنين «طبرى» مى‌نويسد:

«كان فتح الرى قبل وفاة عمر بسنتين»

تاريخ الطبرى، اسم المؤلف: لأبى جعفر محمد بن جرير الطبرى، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت،

ج 2، ص 536، باب ثم دخلت سنة اثنتين وعشرين

«ابن كثير» همين تعبير را دارد. بنابراین اينكه در بعضى از روايات آمده است: «وفاة فاطمه» يا «موت فاطمة» عزيزان دقت كنند كه اينها هيچ منافاتى با شهادت ندارد.

بنده دو روايت در اينجا عرض كنم كه هر دو روايت هم باز از ديده‌گاه مبنای شيعه صحيح است. روايت اول از كتاب «سليم بن قيس هلالى» است. در اينجا آمده است كه «قنفذ» حضرت فاطمه زهرا را زد؛

«قُنْفُذٌ لَعَنَهُ اللَّهُ إِلَى عِصَادَةِ بَابِ بَيْتِهَا وَ دَفَعَهَا فَكَسَرَ ضَلْعَهَا مِنْ جَنْبِهَا فَأَلْقَتْ جَنِينًا مِنْ بَطْنِهَا فَلَمْ تَزَلْ

صَاحِبَةً فِرَاشٍ حَتَّى مَاتَتْ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهَا مِنْ ذَلِكَ شَهِيدَةً»

کتاب سلیم بن قیس الهلالی، نویسنده: هلالی، سلیم بن قیس، محقق / مصحح: انصاری زنجانی
خوئینی، محمد، ج 2، ص 588، باب الحدیث الرابع

این روایت هم مؤید عرض بنده است. طبق این روایت کلمه «مَاتَتْ» با «شَهِدَتْ» هیچ منافاتی ندارد. این عبارت به این معناست که حضرت به واسطه شهادت از دنیا رفت.

روایت دوم که بازهم صحیح است، در کتاب «کامل الزیارات» آمده است. این روایت خیلی مفصل است، تا جایی که حضرت می‌فرماید:

«وَقَاتِلِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَ وَ قَاتِلِ فَاطِمَةَ وَ مُحَسِّنٍ وَ قَاتِلِ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ عَ»

کامل الزیارات، نویسنده: ابن قولویه، جعفر بن محمد، محقق / مصحح: امینی، عبد الحسین، ص 327،
ح 2

در این دو روایت هم واژه شهادت آمده است که از دیدگاه شیعه هردو روایت صحیح است. کتاب «سلیم بن قیس» کتابی معتبر است، به طوری که یک واسطه بیشتر نیست. واسطه روایت «أبان بن أبی عیاش» است که مورد اعتماد است.

همینطور در خصوص کتاب «کامل الزیارات» هم آیت الله العظمی خوئی می‌گوید این روایت صحیح است.

اسناد شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) در منابع اهل سنت

ما در این زمینه روایت زیاد داریم و یک مورد یا دو مورد نیست. حال به روایات شهادت حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در منابع اهل سنت می‌رسیم.

عزیزان دقت کنند آقای «جوینی» که یکی از اساتید «ذهبی» و شخصیت برجسته اهل سنت است، روایتی در خصوص شهادت حضرت فاطمه زهرا نقل می‌کند.

«ذهبی» یکی از استوانه‌های اهل سنت است به طوری که می‌گویند اهل سنت عیال کنار سفره چند نفر هستند؛ «ذهبی»، «ابن حجر عسقلانی»، «مزی» و «عراقی».

ملاحظه کنید «ذهبی» در کتاب «تذکرة الحفاظ» جلد چهارم وقتی به «جوینی» می‌رسد، می‌نویسد:

«وسمعت من الإمام المحدث الأوحَد الأکمل فخر الإسلام»

من شاگردی کردم از امام و محدث یگانه و کامل و فخر اسلام.

«صدر الدین إبراهيم بن محمد بن المؤید بن حمويه الخراسانی الجوينی شیخ الصوفیة»

«ذهبی» در ادامه می‌نویسد:

«وكان شديد الاعتناء بالرواية»

تذکرة الحفاظ، اسم المؤلف: أبو عبد الله شمس الدين محمد الذهبي، دار النشر: دار الكتب العلمية -

بيروت، الطبعة: الأولى، ج 4، ص 1500، باب شیوخ صاحب التذکرة

واژه «الإمام» در میان اهل سنت معادل "مرجع عالیقدر جهان تشیع" در میان ما شیعیان است.

زمانی که کلمه «الإمام» آمد، دیگر هیچ تضعیفی در مورد او قابل قبول نیست. دقت داشته باشید چنین

شخصیتی شهادت حضرت فاطمه زهرا را نقل می‌کند. «ذهبی» در جای دیگر هم می‌گوید:

«إبراهيم بن مُحَمَّد بنِ المؤید بنِ عَبْدِ اللَّهِ بنِ عَلِي بنِ مُحَمَّد بنِ حَمَوِيه، الإمامُ الكَبيرُ المُحدِّثُ شَيْخُ

المَشائخِ صَدْرُ الدِّينِ أَبُو الجَامِعِ الخُرَاسَانِي الجَوِينِي الصُّوفِي»

المعجم المختص بالمحدثين، المؤلف: شمس الدين أبو عبد الله محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز
الذهبي (المتوفى: 748 هـ)، تحقيق: د. محمد الحبيب الهيلة، الناشر: مكتبة الصديق، الطائف، الطبعة:
الأولى، 1408 هـ - 1988 م، ج 1، ص 65، باب حرف الألف

دقت داشته باشید «شَيْخُ الْمَشَائِخِ» به معنای این است که استاد اساتید بوده است. این شخص در کتاب
«فرائد السمطين» جلد 2 صفحه 35 روایتی نقل می‌کند که نظیر آن در منابع شیعه هم بود.

رسول گرامی اسلام امام حسن مجتبی را دیدند و گریه کردند. حضرت امام حسین را دیدند و گریه کردند.
پیغمبر اکرم سپس حضرت فاطمه زهرا را دیدند و گریه کردند.

روایت مفصل است تا جایی که حضرت می‌فرماید: من ظلم‌هایی که به دخترم فاطمه می‌شود را می‌بینم.
حقش غصب می‌شود، ارثش به یغما می‌رود، پهلویش شکسته می‌شود، جنینش سقط می‌شود و هرچه فریاد
می‌کند کسی به فریادش نمی‌رسد.

«فتقدم عليّ محزونة مكروبة مغمومة مغصوبة مقتولة»

فرائد السمطين في فضائل المرتضى و البتول و السبطين و الأئمة من ذريتهم عليهم السلام؛ حموي
جويني الشافعي، ابراهيم بن سعد الدين (م 730)، مؤسسة المحمود، بيروت، چاپ اول، 1400 هـ. ق،
ج 2، ص: 36

کلمه «مقتولة» هم صریح در شهادت است. این روایت هم در کتب آقایان اهل سنت است. علمای اهل سنت
به صراحت واژه شهادت را نسبت به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به کار برده‌اند.

حال در خصوص اینکه سند کتاب صحیح است یا صحیح نیست، ما نمی‌خواهیم زیاد در این زمینه بحث کنیم.
بر فرض سند روایت، ضعیف هم باشد، آقایان اهل سنت یک مبنای رجالی دارند مبنی بر اینکه روایات ضعیف
در مسائل تاریخی قابل قبول است.

در کتاب «المجموع» یکی از کتب مفصل شافعی‌هاست و نظیر کتاب «جواهر الکلام» ما شیعیان است.

در میان آقایان اهل سنت، هر فرقه یک کتاب مفصلی همانند کتاب «جواهر الکلام» ما دارند. به عنوان مثال حنفی‌ها کتابی به نام «المبسوط» دارند که اثر «سرخسی» است. این کتاب بسیار مفصل و همانند کتاب «جواهر الکلام» است.

حنبلی‌ها کتاب مفصل فقهی به نام «المغنی» دارند که اثر «ابن قدامه» است. مالکی‌ها کتاب مفصل فقهی به نام «المدونة الكبرى» دارند. مفصل‌ترین کتاب فقهی آقایان شافعی‌ها هم «المجموع» است. این چهار کتاب همانند کتاب «جواهر الکلام» ماست.

همانطور که «صاحب جواهر» اقوال مختلف را نقل و بررسی و جرح و تعدیل می‌کند و سپس نظر خود را می‌آورد، در این چهار کتاب اقوال دیگر علمای مذاهب دیگر را مطرح و نقد و بررسی می‌کنند و در نهایت نظر می‌دهند.

به بیان بهتر، این کتاب، کتاب استدلالی فقهی است کتاب فتوایی نیست. در کتاب «المجموع» جلد پنجم آمده است:

«وقد قدمنا فی مواضع أن أهل العلم متفقون على العمل بالضعيف في غير الأحكام وأصول العقائد»

اگر روایت ضعیف هم باشد علمای اهل سنت در غیر از احکام و اصول عقاید در قبول آن اتفاق نظر دارند.

المجموع، اسم المؤلف: النووي، دار النشر: دار الفكر - بيروت - 1997م، ج 5، ص 62، باب صلاة

الكسوف

بنده می‌خواهم بگویم اگر کسی نسبت به سند «فرائد السمطين» اشکالی هم داشته باشد، این مسئله‌ای تاریخی است و مسئله اعتقادی مثل توحید و نبوت نیست. همچنین در کتاب «الآداب الشرعية» اثر «ابن مفلح مقدسی» است، ایشان هم می‌گویند:

«والذی قطع به غیر واحد ممن صنف فی علوم الحدیث حکایة عن العلماء أنه يعمل بالحدیث الضعیف فیما لیس فیہ تحلیل ولا تحریم»

الآداب الشرعية والمنح المرعية، اسم المؤلف: الإمام أبو عبد الله محمد بن مفلح المقدسی، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - 1417 هـ - 1996 م، الطبعة: الثانية، تحقیق: شعیب الأرنؤوط / عمر القیام، ج 2، ص 285، فصل فی العمل بالحدیث الضعیف وروایتہ والتساهل

ایشان هم معتقد است در جایی که همانند فضائل حلال و حرامی نیست، آقایان روایت ضعیف را عمل می‌کنند.

از طرف دیگر آقای «شهرستانی» یکی از علمای کلام اهل سنت کتابی به نام «الملل و النحل» دارند که تمام فرق اسلامی را در این کتاب آورده است. ایشان در جلد اول از آقای «نظام» که از بزرگان معتزله هست، روایتی نقل می‌کند و می‌گوید:

«ان عمر ضرب بطن فاطمة يوم البيعة حتى القت الجنين من بطنها وكان يصيح احرقوا دارها بمن فيها وما كان في الدار غير علي وفاطمة والحسن والحسين»

الملل والنحل، اسم المؤلف: محمد بن عبد الكريم بن أبي بكر أحمد الشهرستاني، دار النشر: دار المعرفة - بیروت - 1404، تحقیق: محمد سید کیلانی، ج 1، ص 57، باب 3 النظامية

در کتاب «تاریخ بغداد» جلد ششم صفحه 97 در خصوص «نظام» آمده است:

«إبراهيم بن سيار أبو إسحاق النظام ورد بغداد وكان أحد فرسان أهل النظر والكلام على مذهب المعتزلة»

تاريخ بغداد، اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت -، ج 6، ص 97، ح 3131

ایشان می‌نویسد که «نظام» یکی از پیشتازان اهل نظر و کلام بر مذهب معتزله است. اهل سنت از نظر فقهی تقریباً پنج یا شش فرقه هستند.

حنفی‌ها تابع «ابوحنیفه» متوفای 150 هجری هستند. شافعی‌ها تابع «احمد بن ادريس شافعی» متوفای 204 هجری هستند. مالکی‌ها تابع «امام مالک» متوفای 179 هجری هستند. حنبلی‌ها هم تابع «احمد بن حنبل» متوفای 241 هجری هستند.

از نظر کلامی هم یا معتزلی هستند یا اشاعره هستند یا ماتریدی هستند. ایشان می‌نویسند که آقای «ابراهیم بن سيار» معروف به «ابو اسحاق نظام» یکی از فرسان اهل نظر و کلام هست.

«ذهبی» هم از «ابی دارم امام حافظ» ماجرای کتک زدن حضرت فاطمه زهرا و سقط حضرت محسن را نقل می‌کند. در کتاب «سیر أعلام النبلاء» جلد پانزدهم صفحه 576 از قول «ابن ابی دارم» نقل می‌کند:

«الإمام الحافظ الفاضل أبو بكر أحمد بن محمد السري بن يحيى بن السري بن أبي دارم التميمي الكوفي الشيعي محدث الكوفة»

سپس می‌نویسد:

«ورجل يقرأ عليه أن عمر رفس فاطمة حتى أسقطت محسنا»

سیر أعلام النبلاء، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بیروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، محمد نعیم العرقسوسی، ج 15، ص 576، باب 349 ابن أبي دارم

ما نسبت به ظلم به حضرت فاطمه زهرا، سقط جنین آن بزرگوار و شکسته شدن پهلوی حضرت فاطمه زهرا و آتش زدن خانه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) مطالب زیادی داریم. اینها در حقیقت عصاره بحثی بود که ما خدمت عزیزان و بزرگواران آوردیم.

عبارت دیگری از قول «عبدالفتاح عبدالمقصود» یکی از علمای بزرگ اهل سنت نقل شده است. ایشان کتابی در رابطه با حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) دارد و در آنجا می‌نویسد:

«والذی نفسی بیده لتخرجن أو لأحرقنها علی من فیها، فقیل له: أن فیها فاطمة! قال: وإن»

قسم به کسی که جان من در دست اوست، بیرون بیاوید والا خانه را بر سر ساکنانش به آتش می‌کشم. گروهی گفتند: فاطمه در این خانه است. او فریاد زد: اگرچه فاطمه در خانه باشد!

ایشان در ادامه مطالب دیگری می‌آورد سپس می‌نویسد: وقتی فریاد حضرت فاطمه زهرا بلند شد، بسیاری از افراد با شنیدن ناله حضرت برگشتند و حدوداً ده الی دوازده نفر بیشتر نماندند. ایشان در ادامه می‌نویسد:

«و هل علی السنة الناس عقال یمنعها أن تروی قصة حطب»

مگر دهان مردم بسته و بر زبان‌ها بند است تا داستان هیزم را بازگو نکنند؟

«أمر بن ابن خطاب فأحاط بدار فاطمة»

قصه هیزمی که زاده خطاب دستور داده بود که در درب خانه فاطمه جمع کنند.

"آری زاده خطاب دور خانه را که علی و اصحابش در آن بودند، محاصره کرد تا بدین وسیله آنان را قانع سازد یا بی محابا بتازد!

همه این داستان‌ها با نقشه‌ای از پیش طرح شده یا ناگهانی پیش آمد. مانند کفی روی موج ظاهر شد و اندکی نپائید که همراه جوش و خروش عمر از میان رفت!"

از میان علمای بزرگ اهل سنت کسانی که قدری آزاد اندیش هستند، قضیه ظلم به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را مفصل آورده‌اند.

عزیزان می‌توانند مجموعه کامل «امام علی بن اُبی طالب» اثر «عبدالفتاح عبدالمقصود» ترجمه «سید محمود طالقانی» جلد اول صفحه 190 تا صفحه 192 را ملاحظه کنند.

نسخه عربی این کتاب با نام «الإمام علی بن اُبی طالب» موجود است و این مطالب در جلد چهارم صفحه 274 آمده است. ما از همه عزیزان و بزرگواران تشکر ویژه داریم.

همه عزیزان را به خدای مَنان می‌سپاریم و امیدواریم ان شاءالله این سخنان و برنامه‌ها و زحماتی که دست اندرکاران این برنامه انجام می‌دهند، بهترین توشه‌ای برای هنگام جان دادن و شب اول قبر و برزخ و قیامت ما باشد.

ان شاءالله این برنامه‌های ما مورد رضایت حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) قرار بگیرد.

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته